

معنای لغوی و اصطلاحی عقل

واژه عقل مصدر " عقل یعقل " است که به معنای منع و امساک است .

عقل را به این دلیل عقل نامیده اند که صاحبش را از انحراف باز می دارد.

(ابن منظور/ج 11/ص 458)

زنی را که به خاطر حجب و حیاء در خانه می ماند و از بیرون رفتن امساک می کند عقیده می گویند.

علاوه بر این علمای لغت معنای مختلف و دیگری نیز برای عقل ذکر کرده اند که از جمله می توان به علم، فهم، حصن، قلب، اشاره کرد. عرب دیه ای قتل را نیز چون که با آن خونی به هدر نمی رود و حفظ می شود عقل می گوید.

حصن و ملجاء را نیز به این دلیل که پناهنده ی به آن را حفظ می کند عقل نامیده اند.

عقل در معنای اصطلاحی:

نیرویی است که زمینه قبول علم را نیز فراهم می سازد و چیزی را که انسان با آن قوه استنباط می کند عقل می گویند. (راغب)

برخی نیز عقل را قوه تشخیص دانسته اند که انسان را از حیوان متمایز می سازد (ابن منظور/ج 11)

واژه عقل در قرآن کریم

واژه عقل در قرآن کریم صرفاً به صورت فعلی و تنها شکل ثلاثی مجرد به کار رفته است و کاربرد اسمی و اسم مصدری از آن وجود ندارد. در قرآن کریم 49 بار از مشتقات ماده "عقل" استفاده شده است.

تعقلون 24 بار یعقلون 22 بار

عقلوا، یعقلو، نعقل هر کدام یک بار به کار رفته اند.

برخی از آیات قرآن درباره عقل

عقل در قرآن کریم به معنای فهمی است که حق را تشخیص داده و راه راست را نشان می دهد. به گونه ای که اگر انسان ملتزم به این فهم شود نجات می یابد. به بیان دیگر فهمی است که با سلامت فطرت و دوری از هوای نفسانی حاصل می شود.

علامه طباطبائی نیز مراد قرآنی از "عقل" را همین معنا می دانند

ان المراد بالعقل فی کلامه تعالی هو الادراک الذی یتّم الانسان مع سلامه فطرته

(المیزان فی تفسیر القرآن/ ج 5/ ص 157)

1- ان شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لایعقلون

سوره انفال / آیه 22

بدترین جنبه ها کسانی هستند که کروگنگند و کنند از شنیدن حق و گنگند از گفتن حق و حق را نمی فهمند.

البته واضح است که منظور قرآن از کرولال کرولال عضوی نیستند، بلکه منظور آن دسته از مردم است که حقیقت را نمی خواهند بشنوند و یا می شنوند و به زبان اعتراف

نمی کنند. گوشی که از شنیدن حقایق عاجز است از نظر قرآن کرولال است و زبان که تنها برای سخنان بیهوده بکار می افتد ، به تعبیر قرآن لال است .
لایعقلون کسانی هستند که از اندیشه خویش سود نمی گیرد

2- و يجعل الرجس علی الذین لایعقلون /یونس/ آیه 100

و خدای عزوجل پلیدی و ضلالت را لازم می گرداند بر کسانی که عقل ندارند.

3- و قالو لو كنا نسمع او نعقل ما كنا فی اصحاب السعیر

ملک /11

و خواهند گفت اگر حق را گوش می کردیم یا چنانچه باید می فهمیدیم داخل جهنمیان نمی بودیم.

4- انا انزلنا قرانا عربیا لعلکم تعقلون

یوسف/2

به درستی که فرو فرستادیم ما آن کتاب را در حالتی که قرآن است به لغت عرب تا بفهمید آنچه در آن است

5- قد بینا لکم الایات ان کنتم تعقلون

آل عمران /119

به تحقیق که بیان کردیم از برای شما آیات خود را اگر در یابید آنها را

6- کذلک یبیین الله لکم آیاته لعلکم تعقلون

بقره / 242

همچنین بیان می کند خدای عزوجل از برای شما احکام خود را تا آنها را بفهمید.

7- و تلک الامثال و نضربها للناس و ما یعقلها الا العالمون

اینها مثالهایی است که ما برای مردم می زنیم و جز دانایان آن را درک نمی کنند.

عنکبوت / 43

مرحوم علامه طباطبائی (ره) می فرمایند:

علم مقدمه عقل و وسیله ای به سوی عقل است

(المیزان فی تفسیر القرآن / ج 2 / ص 247)

واژه های مترادف با عقل در قرآن

1- لب == در لغت به معنای عقل است که به خالص هرچیزی اطلاق می شود

گردو، بادام و میوه هایی مانند آن متشکل از پوسته و مغزند که به مغز آن لب گفته می

شود. (جوهری)

به تعبیری عام تر به داخل و درون هر چیزی لب اطلاق می شود. لب فرد همان عقل وی

است .

از این رو هر لبی عقل محسوب می شود، ولی هر عقلی لب نیست (راغب) واژه ای
"الباب" که شکل لب است، شانزده مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است.
"اولولالباب" گروهی هستند که درجه خاصی از تعقل قرار دارند. (راغب)

2- نَهِیةٌ === نَهِیة نیز از جمله معانی عقل است که از ریشه نَهِی به معنای منع و
بازداشتن است. عقل را به این دلیل نَهِیة نامیده اند که باز دارنده ی نفس از هوی و
تمایلات منفی و زشتی هاست. (ابن منظور)

این واژه در قرآن دوباره به کار رفته است . که هر دوبار به صورت جمع نَهِی به کار رفته
است.

ان فی ذلک الایات لاولی النہی

طه/129

به درستی که در این ها، دلیل های واضح است . از برای صاحبان عقل کامل

3- حَجَرٌ === یکی دیگر از معانی عقل حجر است. که به معنای منع است. عقل را از این
جهت حجر گویند که انسان را در مقابل هواها و خواهش های نفسانی انسان را منع
می کند. وجلوی گمراهی فرد را می گیرد. (راغب)

این واژه به معنای عقل یک بار در قرآن کریم بکار رفته است

هل فی ذالک قسم لذی حجر

فجر/6

4- فهم === واژه عقل به معنای فهم نیز به کار گرفته است.

از آن جهت عقل را به معنای فهم گفته اند که هرچه را انسان می فهمد و درک می کند .
گویا نباید عقل و فهم را تور می اندازد. طبرسی عقل را در آیه شریفه (و ما یعقلها
الاالعالمون)(عنکبوت/43) به فهم تفسیر کرده است . و نمی فهمند مقصود از آنها را مگر
دانشمندانی که فرمانبردار خدائید.

هوش

هوش استعدادی است که به فرد امکان می دهد تا از خود، رفتاری بروز دهد که آن رفتار او را
با محیط سازش دهد و بتواند مسائل و مشکلات جدیدی که پیش می آید را حل نماید.

هوش مرتبه ای از حوزه کارکردی عقل به شمار می رود.

هوش روابط بین پدیده ها را درک می کند. هوش زیرکی، آگاهی و شعور است.

مثال : شخصیت های منفی مانند مجرمان، خلاف کاران، کلاهبرداران حرفه ای در نظر
بگیرید. این افراد با زیرکی فراوان و استفاده از آگاهی های خود دست به خلاف می زنند و
بسیار موفق هم عمل نموده و به خواست های خود می رسند.

(هوش) ولی به علت نداشتن تفکر منطقی، تفکر هدایت شده، فهم و ادراک، خرد و خردمندی،

فهمیدن و دانستن ، (عقل) در این زمینه دچار اختلال بوده و بر خلاف عقل عمل می کند.

هوش توانایی ذهنی است و قابلیت های متنوعی همچون استدلال، برنامه ریزی، حل مسئله
تفکر انتزاعی، استفاده از زبان، یادگیری را در بر می گیرد . در هوش و توانایی ذهنی از جمله
حافظه، تمرکز، سرعت پردازش استدلال و عملکرد اجرایی موثر است.

نظریه هوش در طلوع تاریخ تغییر کرده اند.

بر همین اساس هوش را توانایی فرد در قضاوت ادراک و استدلال تعریف می کنند.
درست قضاوت کردن، درست درک کردن ، درست استدلال کردن را فعالیت های بنیادین
هوش می دانند.

هوش یک نوع توانایی کلی و جامع فرد است. برای اینکه به طور هدفمند عمل کند، به طور
منطقی بیندیشد و به طور موثر با محیطش به مبادله بپردازد.
هوش یک عمل منطقی و رفتار موثر در محیط است. هوش کیفیتی است، که سبب موفقیت
می شود.

اخلاق === یعنی شناخت مصادیق ارزش ها و بیانگر راه های کسب فضائل و ترک رذائل
اخلاقی را گویند.

اخلاق ریشه در فطرت انسان دارد و همه آن را دوست دارند

اخلاق سه شاخه مجزا دارد:

1- فلسفه اخلاق

2- اخلاق نظری

3- اخلاق عملی

1- فلسفه اخلاق، شاخه ای از فلسفه است .

خوب و بد یعنی چه ؟ ماهیت و حقیقت مفاهیم اخلاقی معیار کلی خوب و بدی یک رفتار

اخلاقی چیست؟

2- اخلاق نظری، شناسایی، دسته بندی و تعریف صفات و اعمال اخلاقی در حوزه عمومی شناخت ریشه ها و پیامد های موثر آن. داشتن قدرت استدلال در مورد خوبی ها و بدی ها.

3- اخلاق عملی، فنی است برای رسیدن از وضعیت نا مطلوب به وضعیت مطلوب از این نظر اخلاق اساس معنویت است.

انواع هوش در انسانها

- 1- هوش تصویری (فضایی - مکانی) === نقاشی عکاسی - تصویر سازی - صفحه بندی
- 2- هوش زبان شناختی (کلامی) === نویسندگی تدریس - وکالت
- 3- هوش منطقی - ریاضی === مهندسی - حسابداری برنامه نویسی کامپیوتر - فلسفه
- 4- هوش جسمی حرکتی === ورزشکار حرفه ای جراحی - مکانیکی
- 5- هوش درون فردی === روانشناسی بالینی - روانکاوی
- 6- هوش موسیقایی === آهنگ سازی - خوانندگی - نوازندگی
- 7- هوش هیجانی === مدیریت عواطف و هیجانات خود و دیگران
- 8- هوش طبیعت گرایی === کشاورزی گیاه شناسی
- 9- هوش معنوی === ارتباط شما با قدرت برتر جهان
- 10- هوش اخلاقی === توانایی تشخیص درست از نادرست
- 11- هوش برون فردی === ارتباط برقرار کردن و درک دیگران

هوش اخلاقی

هوش اخلاقی توانایی تشخیص درست از اشتباه است

که با اصول اخلاقی سازگار باشد. هوش اخلاقی هوش حیاتی برای همه انسانهاست هوش

اخلاقی نقطه عطفی برای تمام هوش ها محسوب می شود.

هوش اخلاقی نوع سوم قدرت است .

نرمی در برابر مردم نیز یکی از محاسن خُلُق خَلَق است. آن کس که روحی بزرگ دارد . با

مردم به نرمی برخورد می کند چراکه پیامبر خدا (ص) فرموده است به راستی در رفق

خیر و برکت است و هر کس از نرمش محروم است. از خیر و برکت محروم می گردد.

من يحرم الرفق يحرم الخير (نبی مکرم اسلام ص)

هوش اخلاقی به طور کامل آموختنی و قابل یادگیری است. به هیچ وجه جنبه وراثتی ندارد.

هوش اخلاقی کیفیتی است که توانایی فرد را در کسب باورها ، عقاید ارزش ها و هنجارها

در فعالیت ها بر عهده می گیرد.

الحلم تمام العقل === حلم تمامی عقل است

اخلاقی + هوش === هوش اخلاقی

هوش اخلاقی از صفات عالیه انسان است

هوش اخلاقی یعنی صبغه الله و خود را به صفات الهی آراستن

ویژگی صاحبان هوش اخلاقی

- 1- احکام الهی را مایه حیات فرد و جامعه می دانند
- 2- آینده نگر هستند
- 3- دنیا را گذرگاه می دانند نه توقفگاه
- 4- از تاریخ درس عبرت می گیرند
- 5- بهترین و برترین منطق را می پذیرند
- 6- اهل تهجد و عبادت اند
- 7- غفلت را از خود دور می کنند
- 8- صاحبان هوش اخلاقی بدی را با خوبی پاسخ می دهند

برخی از مولفه های هوش اخلاقی

- 1- خویشتنداری
- 2- عفو و بخشش
- 3- فروبردن خشم
- 4- صبر و شکیبایی
- 5- امانتداری
- 6- صداقت
- 7- انصاف
- 8- مسئولیت پذیری
- 9- همدلی
- 10- تحمل
- 11- عذر خواهی
- 12- اصلاح ذات بین
- 13- احترام
- 14- وجدان
- 15- مهربانی
- 16- بردباری
- 17- عذر خواهی
- 18- تشکر و قدردانی
- 19- اجازه

- 20- دلسوزی
- 21- عدل و داد
- 22- عمل صالح
- 23- رعایت رفتارهای فردی و اجتماعی

برخی از مولفه های هوش اخلاقی از منظر آیات قرآن

خویشترنداری (دفع بدی به خوبی)

ادفع بالتی هی احسن السيئه نحن اعلم بما يصفون

مومنون/96

تو بدیها را با نیکویی دفع کن، ما به آنچه ایشان می گویند داناتریم

در این آیه به پیامبر (ص) امر می کند تا بدیهایی که از ایشان می بیند با نیکی جبران نماید و از بین نیکیها نیکوتر را برگزید. مثلاً در برابر آزار و اذیت آنها، احسان نماید در ادامه می فرماید: ما بهتر از تو می دانیم که اینها چه توصیفات می کنند و چه برداشتی از دعوت تو دارند. پس تو ناراحت و غمگین نباش و از جسارت و آزار آنها اندوه مخور. (ترجمه خلاصه تفسیرالمیزان (علامه طباطبائی) جلد سوم، مولف: کمالی مصطفی شاکر، مترجم: فاطمه مشایخف ناشر انتشارات اسلام

2- و عباد الرحمن الذين يمشون على الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما

سوره فرقان/63

و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه روند و هرگاه مردم جاهل به آنها خطاب و عتابی کنند با سلامت نفس و زبان خوش جواب می دهند.

مردمان کسانی هستند که هم نسبت به خدای متعال تواضع و بندگی می نمایند و هم روش سلوک و زندگی آنها در برابر مردم آمیخته با تواضع و فروتنی است.

تکبر و فخر فروشی ندارند البته تذلل آنها در برابر مومنین است نه در برابر دشمنان خدا و کفار که برای خود یک نوع عزت و اقتدار توهم می کنند. و صفت دیگر مومنان این است که وقتی از جاملان حرکت ناپسندی مشاهده می کنند یا سخنان نا مربوط و ناروایی می شنوند پاسخی سالم و عالی از لغو و گناه به ایشان می دهند و جهل آنها را با جهل مقابله نمی کنند.

(ترجمه خلاصه تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن/علامه طباطبایی/)

به قلم کمالی مصطفی شاکر، مترجم فاطمه مشایخ/انتشارات اسلام)

اولئک یوتون اجرهم مرتین بما صبروا و یدرئون بالحسنه السيئه و مما رزقناهم ینفقون

سوره قصص/آیه 54

اینان را دوبار پاداش نیکو دهند زیرا صبر و ثبات در دین خود و اسلام هر دو ورزیدند و بدی را به نیکی دفع می کنند و از آنچه روزی آنها کردیم انفاق می کنند.

ایشان دو چندان اجر خواهند داشت چون هم صبر کردند و هم بدیها را با خوبیها رد و دفع نمودند.

این عده از اهل کتاب که شناخت خود را که از قرآن و پیامبر اسلام (ص) داشتند انکار نکردند و حق را کتمان ننمودند دو اجر خواهند داشت یک اجر به جهت ایمان به کتاب آسمانی خودشان و یک اجر به جهت ایمان به قرآن به خاطر اینکه برایمان دوشان بعد از ایمان اول صبر نمودند و دشواری و مشقت مخالف با هوی را که در هر دو ایمان هست تحمل کردند و همچنین آزار و اذیت مردم را با مدارا و حلم و حوصله از خود دور می کردند.

(توجه خلاصه تفسیر المیزانفی تفسیر القرآن/علامه طباطبائی /به قلم مصطفی شاکر، مترجم فاطمه مشایخ/جلد سوم / ص 543/انتشارات اسلام)

لا یستوی الحسنه و لا السيئه اذفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینہ عداوه کانہ ولی حمیم

سوره فصلت / آیه 34

هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست . همیشه بدی خلق را به بهترین شیوه که خیر و نیکی است پاداش ده و دور کن تا همان کس که گویی با تو سر دشمنی است دوست و خویش تو گردد.

ای رسول ما دعوت به سوی خدا با داشتن خصلت نیک و با نداشتن آن از جهت تاثیر و نفوذ در نفوس یکسان نیست . پس لاجرم تو بدی را با بهترین راهش دفع کن مثلاً باطل را

به حق بران، و جهل را با حلم و بردباری دور کن و بدی آنها را با عفو و گذشت تحمل کن در این صورت است که ناگهان می بینی همان دشمن سرسخت و مهربان می شود.

(ترجمه خلاصه تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن/علامه طباطبایی/)

به قلم کمالی مصطفی شاکر، مترجم فاطمه مشایخ/جلد چهارم / ص 222/انتشارات اسلام)

این آیات به یکی از آثار درخشان خویشنداری اشاره کرده و دستور می دهد با برخورد نیک و ابراز محبت و عکس العمل نیکو در برابر ناملایمات زندگی را برای خود آرام کنید. زیرا در این صورت دشمنی ها و کینه ها به دوستی تبدیل شده شعله های فتنه خاموش گشته و جامعه به همسوئی و مهر و محبت و برادر سوق داده می شود.

عفو و بخشش

ان تبدوا خيرا او تخفوه او تعفوا عن سوء فان الله كان عفوا قديرا

سوره نساء/آیه 49

اگر درباره خلق آشکارا یا پنهانی نیکی کنید یا از بدی دیگران در گذری، خدا همیشه از بدیها در می گذرد با آنکه در انتقام بسیار تواناست.

یعنی چه عمل خیر را اظهار کنید از قبیل انفاق و هر عمل پسندیده دیگر که باعث اعلاء کلمه دین و تشویق مردم به سوی کار خیر و یا قولی از اقوال باشد از قبیل اظهار شکر در برابر ولی نعمت و ستودن او به ذکر و خلاصه تقدیر کردن از منعم به نحوی که سایر اهل نعمت تشویق شوند به اینکه مانند ولی نعمت ما کارهای خیر بکنند و یا آن را مخفی کنید برای آنکه این عمل از ریا دور تر باشد و به خلوص نزدیکتر شود و یا از دیگران گذشت کنید و عمل زشت دیگران را بپوشانید یعنی نگوئید چه کسی به شما بدی کرده است و یا در مقام عمل تلافی نکند در این صورت خود را به صفت الهی آراسته اید. چون علی رغم توانایی و قدرت بر انتقام گرفتن از بد کاران از بدی های آنان را در می گذرد و عفو می نماید و این از صفات کمالیه است.

خذالعفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین

سوره اعراف/آیه 199

طریقه عفو و بخشش پیش گیر و امت را به نیکو کاری امر کن و از روی مردم نادان روی بگردان

همواره ملازم عفو باش و آن را ترک نکن، لذا به پیامبر خود امر می کند که بدیهای اشخاص را که به او بدی می کنند نادیده گرفته و از آنها در گذرند و به تحقیق پیامبر این دعوت را اجابت نمود و از هیچیک از کسانی که نسبت به شخص او بدی می کردند انتقام شخصی نگرفت. آنگاه به پیامبر (ص) می فرماید که مردم را به عرف فرمان بده (عرف) یعنی سنن و روش های پسندید ای که عقلاء یک جامعه آن را می شناسند در مقابل (منکر) که اعمال ناپسندیده و غیر مرسوم است که عقل اجتماعی آنها را انکار می کند. و در آخر می فرماید: از نادانان روی بگردان و این دستور دیگری در مراعات مداری با مردم است که این فرمان نزدیکترین راه برای خنثی کردن نتایج نادانی مردم و کاستن فساد اعمالی آنهاست .

چون انتقام جوئی و تلافی کردن، بیشتر نادان را به کجروی و کمراهی وادار می سازد.

(ترجمه خلاصه تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن/علامه طباطبائی/ مترجم فاطمه

مشایخ/جلد دوم/ص 125)

وجزاوا سیئه سیئه مثلها فمن عفا و اصلح فاجره علی الله انه لایحب الضالمین

سوره شوری/آیه 40

و کیفر بدی، بدی مانند آن است و کسی که از کیفر دادن صرف نظر کند و به این وسیله طرف را اصلاح نماید، پاداش به عهده خداست همانا خداوند ظالمان را دوست ندارد.

در قرآن کریم دوبار "فاجره علی الله" آمده است : یک بار در سوره نساء آیه 100 که مربوط به مهاجرین مخلص است و یک بار در این آیه که مربوط به عفو از بدی های مردم است.

پس معلوم می شود پاداش عفو و اصلاح هم وزن هم پاداش مهاجرت الی الله است.

قانون مماثلث در اسلام: از آنجاییکه قوانین اسلام طبق عقل و فطرت و عدل است، در امور مختلف برابری را با صداقت مطرح کرده است که ما چند نمونه را در اینجا بیان می کنیم.

فمن اعتدی علیکم فاعتدو علیه بمثل ما اعتدی علیکم

بقره/ 149

هر کس به شما تعدی و تجاوز کرد به مانند آن بر او تعدی کنید

و ان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتهم به

نحل/ 126

هرگاه خواستید مجازات کنید تنها به مقداری که بر شما تعدی کرده کیفر دهید.

تفسیر نور/تالیف محسن قرائتی /جلد هشتم /ص 416

یا ایها الذین آمنوا ان من ازواجکم و اولادکم عدوا لکم فاحذروهم و ان تعفوا و تصفحوا و

تغفرو فان الله غفور رحیم تغابن/ آیه 14

ای کسانی که ایمان آورده اید، بعضی از همسران و فرزندان شما دشمن شمایند، از آنان برحذر باشید و اگر عفو کنید و از خطاهایشان درگذرید و بدیهای آنان را نادیده بگیرید عملی خداپسندانه کرده اید. چون خداوند غفور رحیم است.

یعنی بعضی از همسران و فرزندان مومنین دشمن ایشانند و قصد دارند آنها را از ایمان منصرف کرده و از انفاق یا هجرت بازدارند و یا آنها را وادار به کفر و معصیت نمایند. پس باید مومنان را از جنین همسران و فرزندان برحذر باشند تا مبادا آنها را دچار هلاکت سازند و هرگز نباید مومنین رضایی آنها را بر رضای خدا مقدم کنند . آنگاه سفارش می نماید که مومنان در صورتیکه این دشمنی ها را از فرزند و یا همسرانشان دیدند از گناهان چشم پوشی

کنند و ایشان را ملامت نکنند و نقائص آنها را مستور و مخفی بدارند (و در عین حال از فریب آنها بر حذر باشند) و در آخر می فرمایند:

خداوند آمرزنده و مهربان است یعنی شما مومنین بکوشید به این صفات الهی خود را بیارائید و گناه آنها را عفو کنید و غفران نمایید تا به این وسیله به مغفرت و رحمت الهی نائل شوید.
(ترجمه خلاصه تفسیر المیزان/علامه طباطبائی /به قلم کمالی مصطفی شاکر /مترجم فاطمه مشایخ/ص 577/انتشارات اسلام)

فرو بردن خشم

والذین ینفقون فی السراء و الضراء والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس والله یحب المحسنین.آل عمران /134

آنهایی که از مال خود در حال وسعت و تنگدستی انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از بدی مردم در می گذرند(چنین کسانی نیکو کارند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد)(سراء) یعنی آنچه انسان را خوشحال می کند و (ضراء) یعنی آنچه به انسان ضرر می زند و باعث بدحالی او می شود و متقین در هر حال انفاق می کنند و تنگدستی مانع از انفاق آنها نمی شود و وسعت و گشایش هم باعث بخل آنها نمی گردد. بلکه آنها از روی درک صحیح که انفاق را امری واجب بر خود می دانند.انفاق می کنند و از قید حرص و آز رهیده اند و کظم به معنای بستن سر مشک بعد از پر کردن آن بوده و غیظ هیجان طبع برای انتقام در اثر مشاهده ناملازمات می باشد (کظم الغیظ) یعنی ابراز نکردن خشم و غیظ . خداوند چنین

کسانی را که اعمالشان را برای خدا خالص کرده اند و از جهت ثبات در ایمان و استقامت در راه خدای سبحان اعمال خود را به بهترین وجه انجام می دهند دوست می دارد.

جلد اول / ص 295

والذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش و اذا ما غضبو هم یغفرون

سوره شوری/37

و نیز برای افرادی که از گناهان کبیره و زشتیها دوری می کنند و وقتی خشم می گیرند درمی گذرند

و یدهب غیظ قلوبهم و یتوب الله علی من یشاء والله علیم حکیم

سوره توبه /آیه 9

و خشم دلهای مومنان را بزدايد و خدا بسوی هر کس بخواهد بازگشته و از او در می گذرد و خداوند دانا و فرزانه است.

صبر و شکیبایی

یا ایها الذین آمنوا صبروا و صابرو و رابطو و اتقوا الله لعلکم تفلحون

سوره آل عمران /آیه 200

ای اهل ایمان صبور باشید و یکدیگر را به صبر سفارش کنید و با یکدیگر در ارتباط باشید و از خدا پرهیزید شاید رستگار شوید.

صبر در این آیه شامل صبر بر شدائد صبر در اطاعت و صبر بر ترک معصیت می شود و آنگاه امر بر (مصابره) یعنی یکدیگر را سفارش به صبر کردن می نماید و این امر موجب می شود که افراد جامعه اسلامی در کنار هم یک نیروی واحد و متحد شوند و بتوانند به اتفاق یکدیگر اذیت ها را تحمل کنید و رابطه از نظر معنا اعم بر مصابره است چون مصابره یعنی اتحاد و پیوستن نیروها در برابر شدائد اما رابطه یعنی پیوستن همه نیروها و همه کارها در جمع شئون زندگی اجتماعی دینی چه در حال شدت و چه در حال خوشی و مراد از این رابطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیوی و اخروی خود برسید . چون اگر این ارتباط نباشد صبر هر کس به تنهایی یا علم هر کس به تنهایی مال هر کس به تنهایی سعادت آور هست اما نه سعادت کلی و تام و حقیقی . اگر با تقوی بوده و به حدود الهی پایبند باشید در این صورت به هدف نهایی خود یعنی رستگاری حقیقی خواهید رسید.

اطیعوا الله و رسولہ ولا تنازعو فتفشلو و تذهب ریحکم و صبروا ان الله مع الصابرين.

از خداوند و رسولش اطاعت نمایید و نزاع نکنید چون سست و مضطرب می شوید و نیرو هایتان تحلیل می رود و صبر کنید همانا خداوند با سابران است. از سیاق استفاده می شود که در اینجا منظور از اطاعت ، اطاعت از دستوراتی است که از جانب خدا و رسول درباره امر جهاد و دفاع از حریم دین و حوزه اسلام صادر می شود. با نزاع و کشمکش در میان خود ایجاد اختلاف نکنید و در نتیجه خودتان را دچار ضعف اراده مسازید و عزت و دولت و غلبه بر دشمن را از دست ندهید چون اختلاف و تفرقه وحدت را ذایل کرده و قدرت و نیرو و شوکت شما را از بین می برد و همواره در برابر ناملایمات جنگی که از طرف دشمن متوجه می شود خویششننداری کنید. و اکثرا در حال ذکر خدا و اطاعت از خدا و رسولش باشید و حوادث و سنگینی بار اطاعت شما را از پای در نیاورد و سنگینی طاعت و لذت معصیت و عجب و تکبر

جمعی را گمراه نکند. چون خدا با صابران است. و آنها را از ضعف و سستی حفظ م کند و صبر قوی ترین یاور انسان در شدائد و محکم ترین رکن در برابر سستی عزم و تحول اراده است.

جلد دوم/ص 158

فاصبر ان وعدالله حق و استغفر لذنبک و سبح بحمد ربک بالعشی و الابرار

سوره غافر/ 55

پس صبر کن که وعده خدا حق است و از گناهانت آمرزش بخواه و هر صبح و شام پروردگارت را حمد و تسبیح گوی

ای رسول ما در مقابل آزار و اذیت مشرکین صبر کن چون وعده خدا حق است. و از اعمالی که نسبت به ساخت کریم تو گناه محسوب می شود استغفار کن چون آن حضرت معصوم بوده و مسلماً مرتکب گناه نشده و با امر مولوی پروردگار مخالفت نورزیده است. ولی از آنجا که رسول خدا در اعلی درجه منازل قرب است. پرداختن به همین امور مادی و ضروریات زندگی که حتی یک دم مانع از خدا نشود نسبت به ساحت آن حضرت گناه می شود.

جلد چهارم/ص 197

امانتداری

1- ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الى اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماً یعظکم به.

سوره النساء 58

همانا خدائی که شما را امر می کند که امانت ها را به اهلش برگردانید و چون بین مردم داوری می کنید به عدل حکم برانید همانا خداوند چه اندرز خوبی به شما می دهد
امانات شامل امانتهای مالی و معنوی مانند ابلاغ رسالت . امانت جانشینی خداوند – برپاداشتن نظام الهی در روی زمین عدل شامل عدل در مرافعات و احکام مالی و هم معنوی .
حکم به آنچه خداوند نازل کرده و همان حکم به توحید است . و به وسیله آن سعادت جامعه و رفاه آن تامین می شود.

امانتداری و رفتار عادلانه و دور از تبعیض از نشانه های هوش اخلاقی است .

خیانت به امانت از نشانه های نفاق است

خیانت در امانت شامل کتمان علم ، حرفه و حق ، تصاحب اموال مردم

امام محمد باقر فرمود : اوامر و نواهی خدا امانت الهی هستند // تفسیر نور الثقلین

امانت سه گونه است

1- میان انسان و خدا === وظایفی است که انسان باید انجام دهد

2- میان انسان و دیگران === اموال و اسرار دیگران نزد انسان

3- میان انسان و خودش === علم و عمر و قدرت که در دست ما امانت است

کافی / ج 1 / ص 215

2- یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا الله والرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعملون

انفال/27

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا و رسول خدا را خیانت نکنید و مبادا در امانتهای خود خیانت کنید با اینکه می دانید.

خیانت یعنی نقض امانت و امانت این است که به وسیله عهد و یا وصیت و امثال آن امنیت حقی از حقوقی حفظ شود.

4- والذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون.

المومنون/8

و کسانی که امانت و عهد خود را رعایت می کنند.

امانت یعنی آنچه سپرده شده از قبیل مال و اسرار و یا غیر آن تمام تکالیف الهی که در بشر به ودیعه سپرده شده و نیز شامل اعضاء و جوارح و قوای بشری نیز بشود.

عهد یعنی آن چیزی که انسان با صبغه عهد مثل نذر و قسم با آن ملتزم و متعهد شده باشد و ممکن است منظور از آن مطلق تکالیفی باشد که متوجه مومنان می باشد. چون مکررا قرآن ، ایمان را عهد و میثاق خوانده است. به هر جهت در این آیه مومنان را به حفظ امانت و عدم خیانت در آن و حفظ و رعایت عهد و عدم نقض آن توصیف می کند چون ایمان در وجود آنها استقرار یافته و تزلزلی به خود راه نمی دهند.

جلد3/ص 321